

در این مقاله ابتدا به شرح مختصر مفاهیم هوشیاری زبان، نگرش های زبانی، برنامه ریزی زبان و سیاست زبانی و رابطه ی آن ها با یکدیگر می پردازیم. پس از تبیین این روابط، برای دست یابی به هوشیاری زبانی دانش آموزان شهر تهران، پژوهشی میدانی را شرح می دادیم. هدف نهایی مقاله جلب توجه برنامه ریزان زبان فارسی به ضرورت توجه به نگرش های زبانی سخن گویان این زبان است. از آن جا که جوانان هر جامعه به طور معمول پیش تازان تحولات اجتماعی از هر نوع اند، سنجش نگرش های زبانی آنان می تواند تا حدی نشان دهنده سمت و سوی احتمالی آینده ی زبان باشد. در واقع، اجرای این نگرش سنجی و نگرش سنجی هایی نظیر این می تواند مهیا کننده ی برخی اطلاعات لازم درباره ی زبان باشد که پیش نیاز و مقدمه ی ورود به برنامه ریزی زبان است. چرا که برنامه ریزان زبان نباید با حدس و گمان کار خود را آغاز کنند. آن ها باید ابتدا به وضعیت زبان، از جنبه های مختلف، آگاه شوند، سپس برنامه های خود را طراحی کنند.

کلید واژه ها

هوشیاری زبانی، برنامه ریزی زبان، نگرش زبانی، سیاست زبان، روش شناسی، پژوهش میدانی



دکتر نگار داوری اردکانی
فرهنگستان زبان و ادب فارسی

هوشیاری زبانی

(بر اساس مطالعه میدانی دانش آموزان تهرانی)

اشاره

پرسش اصلی بیان مسئله ی پژوهش حاضر این است که دانش آموزان شهر تهران چه نگرشی نسبت به زبان فارسی و برنامه ریزی زبان دارند؟ به بیان دیگر، هوشیاری زبانی این دانش آموزان در چه حدی است؟ ضمن این که تأثیر متغیرهای مستقلی چون جنسیت، رشته ی تحصیلی و منطقه ی آموزش و پرورش را نیز بر نگرش های زبانی آن ها خواهیم سنجید. به این ترتیب، در این پژوهش با توزیع پرسش نامه در میان ۳۵۱ دانش آموز دختر و پسر مناطق ۲، ۱، ۴، ۶ و ۱۶ شهر تهران تلاش می کنیم که به نگرش های زبانی آن ها دست یابیم. این مقاله به همراه جدول ها و نمودارهایی بود که مراحل و روش کار نویسنده را نشان می داد. به دلیل حجم زیاد گزارش، جدول ها حذف گردید.

۱. مبانی نظری

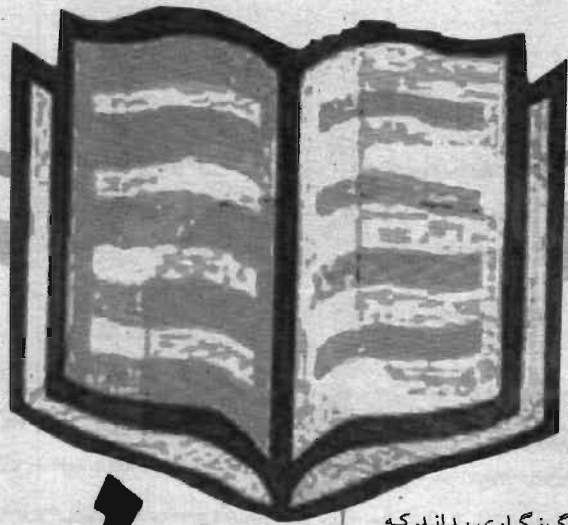
مبنای نظری مقاله ی حاضر، برگرفته از تعاریف انتخاب شده ای از مفاهیم هوشیاری زبانی، نگرش های زبانی، برنامه ریزی زبان و سیاست زبانی است. مراد از هوشیاری زبانی در این پژوهش «مجموعه نگرش های افراد جامعه ی زبانی» است؛ یعنی با سنجش نگرش های زبانی افراد یک جامعه ی زبانی در جنبه های مختلف، می توان به میزان هوشیاری آن جامعه زبانی دست یافت. به زعم توماس (۱۹۹۱) افراد جامعه ای که هوشیاری زبانی ندارند، «زبان» دل مشغولی و دغدغه آن ها نیست و آن ها وضع موجود «زبان» را به همان صورتی که هست می پذیرند.

آگاهی ها، احساسات و تمایلات عملی افراد یک جامعه ی زبانی در مورد زبانشان دانست و درست به همین دلیل است که نگرش های زبانی را در سه سطح «آگاهی از زبان»، «احساس نسبت به زبان» و «آمادگی برای عمل در مورد زبان» می سنجند.

به این ترتیب، نگرش به زبان فارسی شامل مؤلفه های آگاهی از پیکره ی زبان فارسی، احساس نسبت به پیکره ی زبان فارسی، آگاهی از شأن زبان فارسی، احساس نسبت به شأن زبان فارسی، نگرش کلی نسبت به فارسی، آگاهی از آموزش زبان فارسی و احساس نسبت به آموزش زبان فارسی است.

آگاهی از پیکره ی زبان فارسی، خود شامل آگاهی از مسائل واژه و واژه سازی، فرهنگ نگاری، دستور و دستورنویسی،

اما پرسشی که در این جا طرح می شود این است که نگرش زبانی چیست؟ به طور خلاصه می توان نگرش زبانی را مجموعه ی



ادبیات فارسی و خط
و استانداردسازی
می شود؛ از جمله:

✓ در زمینه‌ی فرهنگ‌نگاری بدانند که فارسی به اندازه‌ی کافی فرهنگ‌های لغت کارآمد ندارد.

✓ در زمینه‌ی دستور و دستورنویسی با دستور زبان فارسی آشنا باشد و بدانند که دستور زبان‌های فارسی معمولاً توصیفی نیستند. مترجمان در ترجمه از انگلیسی به فارسی گاهی دستور زبان انگلیسی را وارد فارسی می‌کنند.

✓ در حوزه‌ی ادبیات با ادبیات معاصر و با ادبیات قدیمی فارسی آشنا باشد.

✓ در حوزه‌ی خط و املا آگاهی داشته باشد که جلدنویسی و سرهم‌نویسی برای خط فارسی مشکل آفریده است.

وقتی شخص از شأن زبان فارسی آگاه است که بدانند فارسی تنها زبانی نیست که مردم ایران به کار می‌برند.

وقتی شخص نسبت به شأن فارسی

احساس مثبت دارد که احساس کند اگر فارسی را خوب بدانند، شغل بهتری پیدا خواهد کرد، احساس کند فارسی یک ابزار

ارتباطی خوب است و کارایی زبان فارسی را برای یک جامعه‌ی مدرن کم‌تر از

انگلیسی نداند. از تصور این که فرزندش فارسی بلد نباشد نگران شود. قطع ارتباط با ادبیات فارسی برایش ممکن نباشد، برای

کسی که فارسی می‌داند ارزش قائل باشد، فارسی را بخشی از میراث فرهنگی بدانند،

یادگرفتن خط فارسی را دشوار نداند.

مجموعه‌ی این‌ها باعث می‌شود که بگویم شخص نگرش مثبتی به زبان فارسی دارد.

اما نگرش نسبت به برنامه‌ریزی زبان فارسی شامل چنین مؤلفه‌هایی است: (۱) آگاهی از برنامه‌ریزی فارسی، (۲) احساس نسبت به برنامه‌ریزی زبان فارسی و (۳) آمادگی برای عمل در برنامه‌ریزی زبان فارسی.

وقتی شخص از برنامه‌ریزی زبان فارسی آگاه است که از کارهایی که برای حفظ و گسترش زبان فارسی انجام شده است مطلع باشد و ایجاد تغییر در زبان را مجاز بداند. بدانند که در ایران کارهایی برای بهبود زبان فارسی انجام شده است و می‌شود.

احساس نسبت به برنامه‌ریزی زبان فارسی شامل مؤلفه‌های احساس نسبت به برنامه‌ریزی پیکره در سطوح واژگان، املا و دستور، احساس نسبت به برنامه‌ریزی شأن در سطح گویش‌ها، زبان‌های رایج در ایران، فارسی به عنوان زبان رسمی و فارسی به عنوان زبان علم است. هم‌چنین است داشتن احساس نسبت به برنامه‌ریزی آموزش به طور کلی و در خارج از ایران (کشورهای فارسی‌زبان و غیر فارسی‌زبان)، موافقت با برنامه‌ریزی به طور کلی و موفقیت در برنامه‌ریزی‌های قبلی و ایدئولوژی‌های برنامه‌ریزی زبان. وقتی شخص احساس مثبتی نسبت به



فارسی را به عنوان عاملی برای پیوند با گذشته دوست داشته باشد، یادگرفتن انگلیسی را مهم‌تر از فارسی نداند، احساس کند که همه‌ی مردم ایران باید بتوانند فارسی حرف بزنند، برای فارسی در جامعه‌ی ایرانی شأن و جایگاه بالایی قائل باشد، فارسی را دوست داشته باشد، فارسی را زیبا بدانند، فارسی را زبان خوش‌آهنگ و جذابی بدانند، فارسی را روشن، دقیق و غنی بدانند، خط فارسی را زیبا بدانند و بدانند که زبان فارسی در طول تاریخ تغییر کرده است.

وقتی شخص از آموزش و یادگیری زبان فارسی آگاه است که بدانند امروز فارسی با روش‌های جدید تدریس نمی‌شود.

وقتی شخص احساس مثبتی نسبت به آموزش و یادگیری زبان فارسی دارد که

برنامه‌ریزی زبان فارسی دارد که قائل به واژه‌سازی برای مفاهیم جدید باشد. با قرض‌گیری موافق ولی با قرض‌گیری زیاده از حد مخالف باشد. به استناد اردسازی واژه‌ها معتقد باشد. قائل به عربی‌زدایی نباشد. معتقد به تغییر عمده‌ی زبان باشد. معادل‌سازی برای واژه‌های بیگانه را تلاشی بیهوده نداند.

اگرچه از خلال توضیحات بالا به مفهوم برنامه‌ریزی زبان و انواع آن به طور کلی پی می‌بریم، بهتر آن است که مراد خود از برنامه‌ریزی زبان را به وضوح اما به اختصار شرح دهیم. تعریف برنامه‌ریزی زبان در این‌جا همان تعریف کوپر (۴۵: ۱۹۸۵) است: «برنامه‌ریزی زبان، مجموعه تلاش‌های عمدی برای تحت‌تأثیر قرار دادن رفتار زبانی افراد و جوامع در حوزه‌های پیکره، شأن و آموزش زبان است.» چنان‌که در بالا گفته شد پیکره، ماده‌ی زبان است. شأن زبان به نقش‌های مختلفی که یک زبان در جامعه ایفا می‌کند دلالت می‌کند و از آن‌جا که آموزش کارآمد یک زبان زمینه‌ی گسترش و بقای آن را فراهم می‌آورد، در حوزه‌ی برنامه‌ریزی زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. مروری بر پژوهش‌های پیشین

درباره‌ی زبان فارسی مقالات بسیاری نوشته شده و تحقیقات فراوانی انجام شده است. با این حال مقالات نگاشته شده درباره‌ی برنامه‌ریزی زبان فارسی چندان زیاد نیست. در مورد سنجش نگرش‌های زبانی فارسی‌زبانان، پژوهش‌های انگشت‌شماری مشاهده شد که از آن جمله می‌توان به مقاله‌ی جهانی (۲۰۰۵) تحت عنوان «نگرش‌های زبانی و کاربرد زبان در میان مهاجران ایرانی مقیم سوئد» اشاره

کرد. پژوهش مذکور تلاشی است برای توصیف کاربرد زبان و نگرش‌های زبانی مهاجران ایرانی از گروه‌های نژادی مختلف در سوئد. پژوهش‌هایی نیز در حوزه‌ی ارزیابی نگرش‌گوشوران نسبت به واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی توسط اشرفی و احمدی‌پور (۱۳۸۵) انجام شده است.

با این حال، بسیاری از محققان ایرانی به‌طور تلویحی بر لزوم توجه به نگرش‌های زبانی سخن‌گویان یک زبان در کار برنامه‌ریزی زبان تأکید کرده‌اند؛ مثلاً شفیع‌ی کدکنی (۱۳۴۷) اظهار می‌دارد که از دایره‌ی ذوقیات مردم است که زبان گسترش می‌یابد و زنده می‌شود. صادقی درباره‌ی یکی از شاخه‌های برنامه‌ریزی زبان یعنی واژه‌سازی متذکر می‌شود که مسئله‌ی مهم در واژه‌سازی این است که اهل زبان لزوم آن را حس کنند. به نظر او اگر این لزوم محسوس نباشد، بی‌شک در برابر آن مقاومت خواهد شد. ضمناً هشدار می‌دهد که در امر واژه‌سازی عوامل فرهنگی-اجتماعی و روان‌شناختی باید همپای مسائل زبان‌شناختی مورد توجه قرار گیرد.

حق‌شناس (۴۸: ۱۳۵۶) نیز، در سخنی درباره‌ی واژه‌سازی، استفاده از منابع حاضر و آماده‌ی واژگان خارجی را موجد نوعی روحیه‌ی ضد واژه‌سازی در ایرانیان می‌داند و معتقد است که این روحیه، هر نوع نوآوری زبانی را برای ما هراس‌انگیز می‌کند. او امکانات واژه‌سازی فارسی را بسیار زیاد می‌داند و از مقاومت روحی ایرانیان در مقابل واژه‌سازی اظهار تأسف می‌کند.

آشوری (۱۱۱: ۱۳۶۵) ضمن بیان ضرورت سازماندهی زبان فارسی (به عنوان

یک زبان بومی کارآمد)، شرط نخست این کار را شکستن سدهای مقاومت روانی، ترس و محافظه‌کاری دیرینه می‌داند و در نهایت، کار اصلاح زبان را نیازمند همکاری، همیاری، احساس مسئولیت جمعی و بسیج توان‌ها و نیروها می‌داند.

ناصری (۹۱: ۱۳۶۵) در بیان ضرورت تأسیس فرهنگستان، به نقش مردم در زمینه اصلاحات زبان چنین اشاره می‌کند: «نمی‌توان همه‌ی این افراد [مردم] را که هم مصرف‌کننده و هم مروج زبان‌اند در فرهنگستان جمع کرد و ضمناً نباید آن‌ها را در حالت انفعال قرار داد.» رفیعی‌نژاد (۱۳۷۲) معتقد است که احیا و اصلاح زبان مستلزم از بین بردن جمود ذهنی جامعه است. به نظر او احساس نیاز ما به تحول در زبان ناشی از آگاهی جمعی نیست بلکه به این سبب است که در معرض تهاجم فرهنگی غرب و در مقایسه با آن‌ها قرار گرفته‌ایم.

سمعی (۱۵۵: ۱۳۶۷) عظمت کار فردوسی در زبان فارسی را ناشی از آگاهی، ایمان و همت بالای او می‌داند و اضافه می‌کند که این سه مؤلفه برای اصلاح زبان فارسی در عصر حاضر نیز ضروری است (برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام در این بخش به همین مختصر بسنده می‌کنیم و خوانندگان علاقه‌مند به موضوع را به داوری (۱۲۸: ۱۳۸۴) ارجاع می‌دهیم).

در مورد مطالعات غربیان نیز به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم. از جمله‌ی این مطالعات، مطالعه‌ی رویین (۱۹۷۹) است. رویین اعلام می‌دارد که برای فهم درست و کامل فرایند اجرای سیاست زبان، شناسایی، مطالعه و انتخاب مخاطبان ضروری است. به نظر او مخاطبان برنامه‌ریزی زبان را باید به‌دقت شناخت،



سوم دبیرستان)، دانشجو، دانشگاهی و فرهنگستانی توزیع شد. از میان روش های مختلف نگرش سنجی، از روش توزیع پرسش نامه‌ی کتبی استفاده شد. توزیع پرسش نامه‌ی کتبی نیز هم چون سایر روش ها در کنار معایبی که دارد، دارای محاسنی است. با این حال، اطلاعات پرسش نامه‌ها را باید با احتیاط تعبیر کرد.

در این گزارش فقط به توصیف نمونه‌ی ۳۵۱ نفری دانش آموزان سال سوم دبیرستان (۱۶ تا ۱۷ ساله) خواهیم پرداخت. پرسش نامه، پس از انجام یک مطالعه‌ی مقدماتی در بین دانش آموزان دختر و پسر منطقه‌ی ۲ تهران (آذر ماه سال ۱۳۸۳)، اصلاح شد. پرسش نامه‌ی اصلاح شده در اسفند ماه ۱۳۸۳ بین دانش آموزان مناطق زیر توزیع شد.

به طور کلی از ده دبیرستان از مناطق ۱، ۲، ۴، ۶ و ۱۶ آموزش و پرورش تهران، به شیوه‌ی تصادفی ساده نمونه برداری شد. در هر منطقه یک دبیرستان پسرانه و یک دبیرستان دخترانه به طور تصادفی برگزیده شد. سبب انتخاب مناطق ۱، ۲، ۴، ۶ و ۱۶ تعلق هر یک از این مناطق به یکی از جهات جغرافیایی شمال (۱)، غرب (۲)، شرق (۴)، مرکز (۶) و جنوب (۱۶) بود تا از همه‌ی شهر تهران و در نتیجه از

گمان بوده است و نه واقعیت وضع زبان. او جنبش ابقای ایرلندی را در حال احتضار معرفی می کند و مهم ترین دلیل آن را غفلت از نگرش های مردم و نادیده گرفتن مخالفان برنامه ریزی زبان می داند.

شیفمن (۱۹۹۶) با طرح دو مفهوم سیاست پنهان و سیاست آشکار زبان بر اهمیت مسئله‌ی نگرش های زبانی افراد جامعه تأکید می کند. او سیاست پنهان را خط مشی حاصل از نگرش های واقعی کاربران زبان و سیاست آشکار را سیاست برنامه ریزان رسمی زبان می داند و معتقد است آن چه در نهایت سرنوشته یک زبان را رقم می زند، سیاست پنهان زبان است. به نظر او، برنامه ریزان زبان باید با آگاهی از سیاست پنهان زبان، از یک طرف نگرش های زبانی خود را جرح و تعدیل کنند و از طرف دیگر برای متقاعد کردن مخاطبان خود به برنامه ریزی های لزوم تلاش نمایند.

۳. چارچوب روش شناختی

گزارش حاضر شرح بخش کوچکی از یک پژوهش میدانی گسترده تر برای ارزیابی هوشیاری زبانی ایرانیان ساکن تهران است. از جمله محدودیت های این پژوهش منحصر شدن آن به شهر تهران است که قطعاً به سبب محدودیت های اجرایی نگارنده بوده است. اجرای این پژوهش در سایر نقاط ایران در اصلاح و تعدیل نتایج این پژوهش بسیار مؤثر و مطلوب خواهد بود. در پایان سال ۱۳۸۳ و اوایل سال ۱۳۸۴، پژوهشی میدانی برای بررسی وضع هوشیاری زبانی ایرانیان انجام شد. پرسش نامه‌ی مربوط به این نگرش سنجی در میان بیش از ۸۲۶ مرد و زن ایرانی ساکن شهر تهران در گروه های دانش آموز (سال

انتخاب کرد و با آن ها ارتباط برقرار کرد. او نفوذپذیرترین مخاطبان برنامه ریزی زبان را معلمان و دانش آموزان دبیرستان ها، دانشگاهیان، کارمندان دولت و مدیران صنایع می داند.

او معتقد است که در نظام برنامه ریزی زبان خیلی مهم است که بدانیم چه تلاش هایی برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان صورت گرفته است و آیا اصولاً آن ها از محصولات برنامه ریزی زبان آگاهی دارند یا نه. او بر ضرورت آگاهی برنامه ریزان زبان از نگرش ها و ترجیحات مخاطبان برنامه ریزی زبان تأکید می کند و معتقد است تبیین رابطه بین نگرش مخاطبان برنامه ریزی زبان و میزان کاربرد محصولات برنامه ریزی بخشی از ارزیابی موفقیت برنامه ریزی زبان است.

مک نامارا (۱۹۷۱: ۶۹) در مرور موفقیت ها و شکست های برنامه ریزی زبان ایرلندی که در جهت ابقای این زبان بود، یکی از مشکلات عمده و عامل اصلی شکست آن را آگاهی و توجه نداشتن برنامه ریزان به نگرش های زبانی افراد جامعه می داند. او اضافه می کند که امروز هم با این که در ایرلند، سخن از ابقای ایرلندی به میان می آید، براساس نگرش سنجی ها مشخص شده است که ۸۳ درصد از مردم ایرلند ابقای ایرلندی را امری غیر ممکن تلقی می کنند.

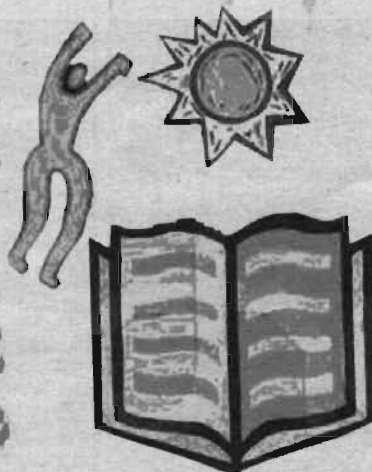
او اضافه می کند که مردم ایرلند به خواست خودشان ایرلندی را کنار گذاشتند و انگلیسی را اختیار کردند، در حالی که برنامه ریزان زبان از وجود چنین نگرشی در مردم ایرلند آگاه نبودند و بنابراین اقدامی برای برانگیختن حس حفظ ایرلندی در مردم انجام ندادند. در واقع، به عقیده او انتخاب های آن ها همگی مبتنی بر حدس و

همه‌ی طبقات اجتماعی این شهر نمونه داشته باشیم. البته انتخاب مناطق شمال، غرب، شرق، مرکز و جنوب کاملاً تصادفی بود. در هر دبیرستان پرسش‌نامه بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان توزیع شد چرا که دانش‌آموزان سال آخر، به سبب دغدغه‌ی شرکت در آزمون سراسری وقت، حوصله‌ی پر کردن پرسش‌نامه را نداشتند و ضمناً به طور معمول، می‌توان تصور کرد که دانش‌آموزان سال سوم نسبت به دانش‌آموزان سال‌های پیش از خود، به بلوغ فکری پیش‌تری دست یافته‌اند. به علاوه، از همه‌ی رشته‌های تحصیلی متوسطه (تجربی، ریاضی و انسانی) نمونه‌برداری شد تا تأثیر احتمالی رشته‌ی تحصیلی بر نگرش افراد نیز مشخص شود. حجم نمونه‌ی آماری این پژوهش براساس جدول تعیین حجم نمونه‌ی کرجسی و مورگان (۶۰۷-۶۱۰ : ۱۹۷۰) و با استناد به کتاب آمار آموزش و پرورش تعیین شد. براساس منبع مذکور تعداد کل دانش‌آموزان ایران ۱۶/۵۴۳/۴۴۰ نفر بود که از این میان ۱/۱۰۶/۶۱۷ نفر دانش‌آموز سال سوم متوسطه بودند. تعداد دانش‌آموزان پایه‌ی سوم دوره‌ی متوسطه در شهر تهران ۱۲۸۴۰۵ نفر است (۵۹۵۸۱ پسر و ۶۸۸۲۴ دختر)، که بر طبق جدول کرجسی و مورگان ۳۸۴ نفر حجم نمونه این گروه تعیین شده است.

محتوا و ساختار پرسش‌نامه اگرچه برگرفته از مرور آثار چاپ‌شده‌ی تألیفی محققان ایرانی است (یعنی به مسائلی پرداخته شده است که در این مقالات به عنوان دغدغه‌های زبانی مطرح شده است) (نک داوری: ۱۳۸۴)، الگوگیری اولیه‌ی آن، از کار اوکز (۲۰۰۱) است. اوکز خود پرسش‌نامه‌اش را برگرفته از

کارهای ترازیل و زواراس (۱۹۷۷) در باب هویت نژادی زبان آلبانیایی-یونانیان می‌داند. هم‌چنین بلازی (۱۹۸۲) در باب رمزگردانی از فرانسه به عربی در تونس، و بنتاهیل (۱۹۸۳) در باب رمزگردانی فرانسه-عربی در مراکش، ادواردز و شیم (۱۹۸۷) درباره نگرش‌های زبانی در بلژیک، فلتز (۱۹۸۸) درباره نگرش‌های فرانسویان نسبت به انگلیسی به عنوان یک زبان جهانی، بیکر (۱۹۹۲) درباره نگرش نسبت به دوزبانگی در ویلز، وینگستر (۱۹۸۸) درباره ایدئولوژی زبانی در سوئد می‌داند.

تأیید اعتبار پژوهش‌های نگرش‌سنجی بسیار دشوار است چرا که معمولاً بین سه مؤلفه‌ی سازنده‌ی نگرش یعنی احساس، آگاهی و عمل هماهنگی وجود ندارد. در این تحقیق به هر سه مؤلفه ارزشی هم‌تراز داده شده است چرا که بین محققان توافقی در مورد ارجحیت هیچ‌یک از مؤلفه‌ها وجود ندارد، به این معنی که برخی، مؤلفه‌ی آگاهی را مهم‌تر از بقیه تلقی می‌کنند و استدلال آن‌ها این است که آنچه مردم خود به آن باور دارند مهم نیست، آنچه مردم به عنوان هنجار و ارزش جامعه



می‌شناسند مهم است، چون هدف دست‌یافتن به نظر گروه است. به هر ترتیب در این تحقیق ما برتری خاصی برای هیچ‌یک از سطوح آگاهی، احساس و عمل قائل نیستیم و هر سه سطح را هم‌تراز تلقی می‌کنیم.

۱-۳. تحلیل آماری

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها کدبندی شد و وارد نرم‌افزار آماری اسپ‌اس‌پی‌اس (SPSS) گردید. متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارت‌اند از جنسیت و رشته‌ی تحصیلی و منطقه‌ی آموزش و پرورش.

برای آزمودن تأثیر میزان تحصیلات و منطقه‌ی آموزش و پرورش جدول‌های تقاطعی و آنوا (ANOVA) طراحی شد و برای آزمایش وابستگی متقابل دو مجموعه داده، آزمون‌های آماری مربوطه کای اسکوفر (χ^2)، سامرز (Somer's)، کرامرز (Kramers) و کندال (Kendal) انجام شد. برای هر دو نوع آزمون (آنوا، جدول‌های تقاطعی) سعی شد تعداد نسبتاً زیاد آزمون‌های انجام‌شده با سطح معناداری کم‌تر از ۵ درصد سنجیده شود. در مواردی که با متغیرهای اسمی مواجه بودیم سعی شده از جداول آنوا استفاده شود و در مواردی که با متغیرهای رتبه‌ای سروکار داشتیم از جداول تقاطع استفاده شد. در این گزارش هدف توصیف پاسخ‌های دانش‌آموزان به سؤالات پرسش‌نامه (پیوست) و بررسی تأثیر متغیرهای مستقل جنس و منطقه‌ی آموزش و پرورش است. کل سؤالات پرسش‌نامه بر اساس تقسیم‌بندی زیر تنظیم شده بود:

الف. نگرش به زبان فارسی

ب. نگرش به برنامه‌ریزی زبان فارسی

ج. نگرش به زبان فارسی و

برنامه‌ریزی آن که به آن هوشیاری زبانی می‌گوییم.

گزارش حاضر نگرش دانش‌آموزان را به زبان فارسی و برنامه‌ریزی زبان نشان می‌دهد و در واقع نمایشگر هوشیاری زبانی آن‌هاست.

به طور جزئی‌تر وقتی آگاهی شخص از پیکره‌ی زبان فارسی بالاست که به پرسش‌های ۳۵، ۹۸، ۳۱، ۲۰، ۲۸، ۶۳، ۲۵، ۴۰، ۴۲ و ۲۶ پاسخ «کاملاً موافقم» یا «موافقم» داده باشد و به پرسش‌های ۳۲ و ۶۴ پاسخ «کاملاً مخالفم» داده باشد. یعنی بداند که در زمینه‌ی واژه و واژه‌سازی زبان فارسی به واژه‌سازی نیاز دارد، در هر رشته‌ای که زبان فارسی در آن به کار می‌رود واژه به اندازه‌ی کافی نداریم، علاوه بر واژه‌سازی در رشته‌های مختلف، باید آن‌ها را یکدست هم کرد و فارسی برای بیان مفاهیم دچار کم‌بود لغت است.

وقتی شخص نسبت به پیکره‌ی زبان فارسی احساس مثبت دارد که به پرسش‌های ۱۱۰، ۳۴، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۸۵ پاسخ «موافقم» یا «کاملاً موافقم» بدهد و به پرسش‌های ۱۲۵، ۲۲ پاسخ «مخالفم» و «کاملاً مخالفم» بدهد.

به طور دقیق‌تر وقتی شخصی احساس مثبت نسبت به پیکره‌ی زبان فارسی دارد که دوست داشته باشد به جای واژه‌های خارجی واژه‌ی فارسی به کار ببرد. قرض‌گیری زیاد از حد از زبان‌های دیگر برای زبان فارسی را خوب نداند. شعر سستی ایران را تحسین کند. شعر نو را دوست داشته باشد. دانستن عربی را در دانش فارسی ما مفید بداند. خط فارسی را زیبا بداند. فارسی را به سبب ورود واژه‌های انگلیسی خراب شده نداند. به شعر فارسی علاقه داشته باشد و آن را بفهمد.

۴. بحث

در این بخش به گزارش یافته‌های پژوهش می‌پردازیم. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، این گزارش بخشی از یک پژوهش میدانی وسیع‌تر است. حداکثر نمره‌ی هوشیاری زبانی پاسخ‌گویان در کل پژوهش ۶ بوده است. دانش‌آموزان حائز نمره‌ی ۴۵، ۳، شده‌اند، که تقریباً نصف حداکثر نمره است. به نظر می‌رسد که رشته‌ی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر معنی‌داری در سطح هوشیاری زبانی دانش‌آموزان ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد منطقه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان بر سطح هوشیاری زبانی آن‌ها تأثیر داشته باشد، چرا که بیش‌ترین درصد دانش‌آموزان دارای هوشیاری زبانی بالا در مناطق ۱ و ۲ مشاهده شده است و این درصد به تدریج و به ترتیب در شرق، مرکز و جنوب کاهش می‌یابد.

۵. جمع‌بندی

۱-۵. نتایج آزمون‌های آنوا برای ارزیابی هوشیاری زبانی و سطوح نگرش‌های زبانی میانگین نمرات نگرش‌های زبانی در سطوح مختلف آگاهی، احساس و آمادگی برای عمل در حوزه‌های مختلف پیکره، شان و آموزش زبان و برنامه‌ریزی آن نشان می‌دهد که حداقل میانگین مربوط به دانش‌آموزان رشته‌ی ریاضی است.

۲-۵. نتایج آزمون‌های کای اسکور برای ارزیابی سطوح نگرش‌های زبانی بیش‌ترین درصد دانش‌آموزان دارای نگرش مثبت به زبان و برنامه‌ریزی زبان فارسی در دانش‌آموزان رشته علوم انسانی و کم‌ترین در دانش‌آموزان علوم تجربی مشاهده شد. پس شاید بتوان نتیجه گرفت که آموزش‌های رسمی در حوزه‌ی علوم

انسانی و زبان و ادبیات فارسی که برای دانش‌آموزان رشته‌ی علوم انسانی در مقایسه با دو رشته‌ی دیگر بیش‌تر بوده است، باعث شده است که این گروه دارای هوشیاری زبانی بالاتری باشند.

در مناطق مختلف تحصیلی، درصد دانش‌آموزان دو منطقه‌ی ۱ (شمال) و ۲ (غرب) که نگرش مثبتی به زبان فارسی و برنامه‌ریزی آن دارند، از دانش‌آموزان سایر مناطق بیش‌تر است و کم‌ترین درصد متعلق به دانش‌آموزان منطقه‌ی ۱۶ (جنوب) است. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان مناطق ۱ و ۲ از سایر مناطق هوشیاری زبانی بیش‌تری دارند.

۳-۵. نتایج ارزیابی ایدئولوژی‌های زبانی بالاترین سطح بیگانه‌دوستی (غربی) و بیگانه‌ستیزی (عربی) در دانش‌آموزان منطقه‌ی ۶ (مرکز) مشاهده می‌شود. به علاوه، کم‌ترین درصد دانش‌آموزانی که فارسی را عامل پیوند با تاریخ می‌دانند نیز در همین گروه مشاهده شده است. ضمناً، حداکثر فراوانی دانش‌آموزان قائل به ناتوانی زبان فارسی در بیان علم نیز متعلق به دانش‌آموزان منطقه‌ی ۶ است.

از طرفی، کم‌ترین موافقت با کهنه‌گرایی از سوی دانش‌آموزان رشته‌ی علوم تجربی بوده است.

در مجموع، بیش‌ترین درصدهای موافقت با گزاره‌های ایدئولوژی‌های زبانی، به ترتیب زیر (ترتیب گزاره‌ها) کاهش می‌یابد: فارسی به عنوان میراث فرهنگی، فارسی به عنوان عامل پیوند با تاریخ و عربی‌ستیزی.

از طرف دیگر، کم‌ترین درصدهای موافقت با این نوع گزاره‌ها به ترتیب زیر افزایش می‌یابد: آگاهی از برنامه‌ریزی‌های زبان

فارسی، این که فارسی در وضع خوبی است و نیاز به محافظت ندارد، فارسی نمی تواند زبان علم باشد، ضرورت بیگانه ستیزی غربی در سطح واژگان.

پایین ترین میزان مخالفت با قرض گیری زیاد از حد را می توان در دانش آموزان منطقه ی ۶ (مرکز) مشاهده کرد.

پایین ترین درصد افراد آگاه از برنامه ریزی های انجام شده، در دانش آموزان رشته ی تجربی دیده می شود. ۳۸/۷ درصد دانش آموزان کاملاً ناامید از بهبود وضع زبان فارسی اند و امیدوارترین گروه به اصلاح وضع زبان فارسی دانش آموزان منطقه ی غرب اند. ضمناً، ناامیدترین گروه از نظر رشته ی تحصیلی، دانش آموزان رشته ی ریاضی اند.

دانش آموزان منطقه ی ۱۶ (جنوب) بیش ترین موافقت را با گزاره ی «فارسی در وضع خوبی است و نیاز به محافظت ندارد» دارند.

کم تر از نیمی از دانش آموزان فارسی را در خطر می بینند. درصد بیش تری از دانش آموزان رشته ی تجربی فارسی را در خطر می بینند و درصد کم تری از دانش آموزان علوم انسانی. به علاوه درصد بیش تری از دانش آموزان مناطق غرب و شرق تهران فارسی را در خطر می دانند.

۴-۵. نتایج برخی سوالات غیر گزینته ای فراوان ترین پیش نهاد دانش آموزان برای ارتقای وضع زبان فارسی بیرون ریختن لغات عربی و در درجه ی بعد انگلیسی است.

اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان فارسی را «زبان همیشه و همه جای» خود تعریف کرده اند. زبان فارسی، از جمله مهم ترین

نمادهای هویت ملی برای دانش آموزان است.

۶. سخن آخر

۱-۶. دانش آموزان را می توان از جمله مخاطبان بسیار مهم برنامه ریزی زبان تلقی کرد. آن ها می توانند عوامل بسیار مؤثری برای توزیع محصولات برنامه ریزی زبان باشند. در حین کار نگرش سنجی در دبیرستان های تهران، نگارنده متوجه شد دانش آموزان به اظهار نظر و درگیر شدن با مسائل زبان فارسی علاقه دارند. به این ترتیب، سنجش نگرش های زبانی و مشخصه های فکری این گروه می تواند مهیاکننده ی اطلاعات بسیار مفیدی باشد که در جهت دهی به سیاست گذاری های زبانی مؤثرند.

۲-۶. برخی اختلافات معنی دار بین نگرش های زبانی دانش آموزان رشته های تحصیلی مختلف وجود دارد که در نهایت حکایت از این دارد که رشته ی تحصیلی متغیر مؤثری در تعیین نگرش های زبانی دانش آموزان است. در نتیجه توجه به این متغیر و شیوه ی تأثیرگذاری آن بر نگرش های زبانی باید مورد توجه برنامه ریزان زبان فارسی قرار گیرد. مثلاً، با دانستن این که دانش آموزان رشته ی علوم انسانی نسبت به سایر رشته ها هوشیاری زبانی بیش تری دارند، می توان متوجه تأثیر احتمالی آموزش های اضافی این گروه در حوزه ی زبان فارسی شد، چرا که درس زبان فارسی یکی از دروس تخصصی و اصلی این رشته است.

۳-۶. وجود برخی اختلافات معنی دار بین نگرش های زبانی دانش آموزان مناطق مختلف تحصیلی نیز نشان دهنده ی این مطلب است که متغیر منطقه ی تحصیلی بر

نگرش های زبانی دانش آموزان مؤثر است. شاید یکی از شیوه های توجیه این واقعیت این باشد که بگویم هر چه رفاه اجتماعی و اقتصادی دانش آموزان بیش تر شود میزان توجه به زبان فارسی نیز بیش تر می شود. با این حال، اظهار نظر قطعی در این مورد منوط به انجام تحقیقات اجتماعی بیش تر در سطح شهر تهران و استخراج مشخصه های اجتماعی مناطق مختلف آموزش و پرورش است. ترتیب کاهشی سطح هوشیاری زبانی مناطق مختلف به قرار زیر است، که دقیقاً منطبق بر ترتیب کاهش رفاه اجتماعی و اقتصادی است: منطقه ی ۱، ۲، ۴، ۶، ۱۶.

۴-۶. از میان مؤلفه های ایدئولوژیک نگرش های زبانی، دانش آموزان به موارد زیر توجه بیش تری دارند: فارسی به عنوان میراث فرهنگی، فارسی به عنوان عامل پیوند با تاریخ، سره گرایی عربی ستیز. برنامه ریزان زبان با آگاهی از غلبه این مؤلفه های ایدئولوژیک در نگرش های دانش آموزان، قادر خواهند بود از دو مورد اول به عنوان نقاط اتکاء بسیار مطمئنی در جهت ایجاد انگیزه (برای درگیر کردن عملی دانش آموزان به مسائل زبان فارسی) استفاده کنند، چرا که اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان، فارسی را میراث فرهنگی خود و عامل حفظ پیوند با تاریخ می دانند.

اما مورد سوم، شاید بتواند راهنمایی در جهت اضافه کردن یکی دو عنوان درسی در کتاب های زبان فارسی دبیرستان باشد و آن مباحثی است در باب اصول و ضوابط قرض گیری برای روشن کردن جایگاه بسیاری از واژه های عربی در فارسی، که ظاهراً دانش آموزان تلقی درستی از آن ندارند. عربی ستیزی دانش آموزان، اگر چه از سر ناآگاهی است، در صورتی که مورد

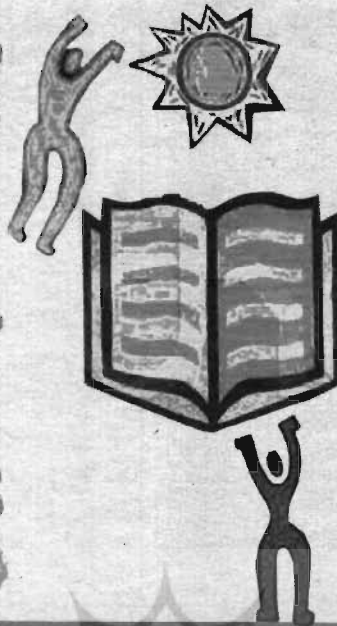
غفلت قرار گیرد و اصلاح نگردد ممکن است در درازمدت، همه‌ی مساعی میانه‌روانه و متعادل فرهنگستان در زمینه‌ی سره‌گرایی را بر باد بدهد. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد تقابل و تخالف سیاست‌های پنهان زبان با سیاست‌های آشکار زبان می‌تواند باعث شکست برنامه‌ریزی زبان شود.

۵-۶. با توجه به درصد دانش‌آموزان آگاه از برنامه‌ریزی زبان در فارسی، گنجانیدن دروسی در این باره در کتب درسی و معرفی این مباحث به دانش‌آموزان ضروری می‌نماید. نگارنده در هنگام حضور در بین دانش‌آموزان، برای انجام نگرش سنجی، مکرراً با این سؤال مواجه شد که «فرهنگستان زبان چیست؟».

۶-۶. از آن‌جا که اکثر دانش‌آموزان فارسی را در وضع خوبی نمی‌بینند و آن‌را ناتوان از ایفای نقش زبان علم می‌دانند و تقریباً نیمی از آن‌ها فارسی را در خطر می‌بینند و حدود ۴۰ درصد آن‌ها از بهبود و ارتقای آن ناامیدند، لازم است با توصیف درست، علمی و دقیق، نقاط قوت فراوان زبان فارسی و ذکر نقاط ضعف واقعی آن (در جهت رفع ضعف و انگیزش تفکر دانش‌آموزان برای مشکل‌گشایی) این روحیه‌ی یأس و ناامیدی از دانش‌آموزان زدوده شود.

۷-۶. این‌که دانش‌آموزان فارسی را زبان همیشه و همه‌جای خود اعلام داشته‌اند و ضمناً کم‌تر گرایش افراطی نسبت به زبان انگلیسی از خود نشان داده‌اند، می‌تواند یکی از نقاط اتکای برنامه‌ریزان در برنامه‌ریزی‌های خود در جهت تثبیت زبان فارسی باشد. چه این‌که می‌دانند دانش‌آموزان به زبان فارسی وابسته‌اند و با آن انس عمیق دارند.

۸-۶. اگرچه، اکثر دانش‌آموزان معنای «هویت ملی» را نمی‌دانستند و از نگارنده در این مورد توضیح می‌خواستند، پس از توضیح، انتخاب‌های متناسبی را به دست داده‌اند: زبان فارسی، مشخصه‌های مثبت و منفی اخلاقی و فرهنگ. این همه در مجموع نشان‌دهنده توجه آن‌ها به نوعی فرهنگ خاص ایرانی است که به نظر می‌رسد این مقوله نیز بتواند آغازگاه و نقطه‌ی نفوذ مناسبی برای انگیزش دانش‌آموزان در حوزه‌ی برنامه‌ریزی زبان فارسی باشد.



منابع و مأخذ

۱. آشوری، داریوش، ۱۳۶۵، «روح علمی و زبان علمی از دیدگاه تاریخی»، در: زبان فارسی زبان علم (مجموعه سخنرانی‌های دومین سمینار نگارش فارسی)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۲. افخمی، علی و داوری اردکانی، نگار، «برنامه‌ریزی زبان در ترکیه»، مجله‌ی نامه‌ی فرهنگستان، زیر چاپ
۳. _____، ۱۳۸۴ الف، «برنامه‌ریزی زبان و نگرش‌های زبانی»، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۷۳، دوره‌ی ۵۶
۴. _____، ۱۳۸۲ ب، «معرفی اجمالی ابعاد نظری و عملی برنامه‌ریزی زبان»، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۷۵، دوره‌ی ۵۶
۵. حق‌شناس، علی محمد، ۱۳۷۸، «واژه‌سازی درون متن، یک علاج قطعی»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، مرکز نشر دانشگاهی
۶. داوری اردکانی، نگار، ۱۳۸۴، «برنامه‌ریزی زبان و هوشیاری زبانی، با نگاهی به ایران، چاپ نشده
۷. _____، ۱۳۸۴، «صاحب‌نظران ایرانی و زبان فارسی»، مجله‌ی نامه‌ی پارسی، ش ۳، سال دهم
۸. _____، ۱۳۸۵، «شان زبان فارسی به عنوان زبان ملی»، مجله‌ی نامه‌ی پارسی، ش ۲، سال یازدهم
۹. رفیعی‌نژاد، محسن، ۱۳۷۲، «مشکل از زبان فارسی است یا از فارسی زبان؟»، در مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی
۱۰. سمیعی (گیلانی)، احمد، ۱۳۶۷، «زبان محلی، زبان شکسته و بهره‌برداری از فرهنگ مردم در صدا و سیما»، نشر دانش، دوره‌ی ۸، ش ۴
۱۱. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، ۱۳۴۷، «نگه‌ای درباره لغت‌سازان»، انتقاد کتاب، دوره‌ی ۴، ش ۳
۱۲. صادقی، علی اشرف، ۱۳۵۲، «زبان فارسی و فرهنگستان»، راهنمای کتاب، س ۱۶، ش ۸-۱۳
۱۳. _____، ۱۳۶۲، «زبان معیار»، نشر دانش، دوره‌ی ۳، ش ۴
۱۴. _____، ۱۳۷۵، «نقش فرهنگستان در برنامه‌ریزی برای زبان فارسی»، نامه فرهنگستان، س ۲، ش ۲
۱۵. ناصری، کیومرث، ۱۳۶۵، «تکاتی درباره‌ی زبان علمی فارسی»، در مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی زبان علم، مرکز نشر دانشگاهی
16. Cooper, Robert L. 1989. Language Planning and Social Change. Cambridge. Cambridge University Press
17. Oakes, Leigh. 2001. Language and National Identity: comparing France and Sweden. Amsterdam. John Benjamins
18. Rubin, Joan & Bjorn H Jernudd(eds). 1971. Can Language Be Planned?: Sociolinguistic Theory and Practice for Developing Nations. Hawaii. The University Press of Hawaii
19. Schiffman, Harold. 1996. Linguistic culture and language Policy. London, New York. Routledge